



نیروگاه سلف سرویسی!



همین چند روز پیش: وزیر محترم نیرورسم اعلام کرد هر صنعتی که برق تضمینی، شیک و بدون قطعی و افت ولتاژ می خواهد، می تواند از ظرفیت عظیم نیروگاه ها استفاده کند؛ فقط یک شرط کوچک دارد و باید سوخت نیروگاه را خودش تأمین کند! دقیقاً مثل این است که اسنپ لاکچری بگیرد و راننده زنگ بزند و بگوید: اگه کارت سوخت شخصی خودت رو که هنوز داخلش بنزین ۱۵۰۰ تومنی داره، بهم بدی، می آم دنبالت، وگرنه سفرت رو لغو می کنم و افتخار هم سفرشدن با من رو از دست می دی!

آبان: در اولین فاز اجرای این طرح، مدیر پرتلاش یک کارخانه جلو در ورودی نیروگاه ترمز می زند، در باک خودروش را باز می کند و سعی می کند با یک شیلنگ کولر از باک بنزین بکشد و داخل یک چهارلیتری بریزد تا به عنوان «سوخت ویژه نیروگاهی» تحویل دهد. نگهبان تیزبین نیروگاه می گوید: اون ماشینای قدیم بود مدیرجان که می شد شیلنگ بندازی و از توی باکش بنزین بکشی! این جدیداً توری ضدسرقت دارن، نمی شه! در این حین، مدیر مظلوم کارخانه که حسابی نگران توقف خط تولید و عقب افتادن چک های سررسید خرید مواد اولیه است، صندوق عقب را بالا می زند و لاستیک زاپاس را برمی دارد و می گوید حداقل این رو به عنوان سوخت نیروگاه پسوزونین، ۱۰ کیلووات برق بخورونمیر به کارخونه ما بدین! نگهبان کارخانه سری از روی تأسف نکان می دهد و می گوید: «اینکه به هیچ جاش نمی رسه! نه برق درست و حسابی تولید می کنه، نه دود درست و حسابی ازش درمی آد!

آذر: گزارش ها حاکی است در محوطه بیشتر کارخانه ها، شبانه روزی دارند چاه آب را عمیق تر حفر می کنند؛ نه برای قطره ای آب، بلکه به امید اینکه اتفاقی مته شان به یک رگه نفت سنگین یا مازوت غلیظ برخورد کند و چیزمیزی داشته باشند که به نیروگاه بدهند تا برقرشان قطع نشود. الهی خدا هیچ مدیر و کارخانه ای را شرمند نه نیروگاه سیکل ترکیبی و مدیرعاملش نکند!

دی: متأسفانه چون نه نفت درست و حسابی پیدا شد، نه مازوت با کیفیت و نه مدرک تحصیلی هاگرمای لازم برای تولید برق راداشت، وزیر نیرو در ادامه سبک مدیریتی خلاقانه خود، طرح ملی «انرژی سبز انسانی» را کلید زد. طبق این طرح، کارگران در کارخانه کار می کنند و سهام داران کارخانه موظف اند به نیروگاه بروند تا روی دو چرخه های ثابت با پدال زدن، برق مجانی برای کارخانه تولید کنند! مدیرعامل که می بیند سهام داران با بی انگیزگی رکاب می زنند، با شلاق چرمی بالای سرشان می ایستد و با فریاد می گوید: تندتر پدال بزنین تنبلا، تندتر! خط تولید حساس کیک اسفنجی دولایه چهل گرمی با طعم کاکائو خوابیده، چون برق نداریم، پدال بزنین!

حذف پفک ۳۰۰ هزار تومانی!

- سلام خبرنگار!
- سلام سخنگوی دولت!
- مژده! مژده! بشتاب! بشتاب! گوش شیطان کر! بی حرف پیش! احتمالاً می خوایم مبلغ کالابرگ رو ۳۰۰ هزار تومن افزایش بدیم خبرنگار!
- ۳۰۰ هزار تومن که واسه خرید یک پفک هم کافی نیست سخنگوی دولت!
- اعتبار کالابرگ برای خرید پفک هزینه نمی شه خبرنگار!
- پس کالابرگ واسه چیه سخنگوی دولت؟!
- برای خرید کالاهای اساسی صرف می شه خبرنگار!
- کالاهای اساسی کدوما هستن سخنگوی دولت؟!
- مثلاً گوشت و مرغ و روغن و برنج خبرنگار!
- با اون ۳۰۰ هزار تومن افزایش که نمی شه گوشت و مرغ و روغن و برنج خرید سخنگوی دولت!
- پس چی می شه گرفت خبرنگار؟!
- فقط می شه یک پفک خرید سخنگوی دولت!
- آها! افتادی توی تله! دیدی مچت رو گرفتیم خبرنگار! تو که اول گفتی با ۳۰۰ هزار تومن یک پفک هم نمی شه خرید، ولی الان از دهن خودت دراومد که با ۳۰۰ هزار تومن می شه یک پفک خرید!
- خب شما که گفتی اعتبار کالابرگ واسه خرید پفک نیست سخنگوی دولت!
- پس واسه چیه خبرنگار!
- مثلاً گوشت و مرغ و روغن و برنج سخنگوی دولت!
- با ۳۰۰ هزار تومن که گوشت و مرغ و روغن و برنج نمی شه خرید خبرنگار!
- پس چی می شه گرفت سخنگوی دولت!
- می شه یک پفک خرید خبرنگار!
- احساس می کنم با هم قاطی شدیم سخنگوی دولت!
- همه ش تقصیر اون پفکه خبرنگار!
- شما برای حل معضل پفک چه راهکاری دارین سخنگوی دولت؟!
- بهترین راه برای گذر از این بحران اینه که قیمت پفک به بیش از ۳۰۰ هزار تومن افزایش پیدا کنه تا با ۳۰۰ هزار تومن افزایش اعتبار کالابرگ، پفک هم نشه خرید و مشکل حل بشه خبرنگار!
- جیغ و سوت و دست و هورا سخنگوی دولت! مرسی که هستی! تقدیر از این تدبیر!
- نشان دادن قلب با دست!



کُخ تو رُخ



جلسه علنی و بیناری مجلس



۱ به به! هزار ماشالا! چه بزرگ شدی! مگه چند وقته ندیدیمت یلا؟

۲ چیزی نمونه به سال شه که مجازی ایم رئیس.

سؤال از وزیر راه (خاتم صادق) در جلسه علنی و بیناری مجلس



وزیر اقتصاد، به احترام بزرگ و کوچیکی می خوام نوبت استیضاحم رو بدم به شما مهندس، شما اول بفرمایین.

وزیر صمت، قربونتون برم، اتفاقاً من هم گفتیم خانوما مقدمین، نوبتم رو دادم به خانم دکتر صادق!

وزیر راه، ای بابا! من که از روز اول اینجا جلوی صف استیضاح هستم

جشنواره ملی سرباز ایرانی



۲ به بنده خدای فوتبالیسته، ظاهراً مشکل اعصاب و روانش به قدری حاد و خطرناکه که حتی سربازی نمی تونه بیاد، فقط می تونه توی دروازه واسه توپ جمع کنه.

۱ اون جای کیه کنارت خالیه؟ غایبه؟

قوچ کوهی ایران در ارتفاعات استان فارس



هوووی؟ چته؟ می گم کاریت ندارم، فقط می خوام بشمرم ببینم تک سمی یا جفت سم، همین.

به جان عزیزت جفت سم، ول می کنی یا نه؟ بوفالو و تک سمیان بس نشد، اومدین پی ما؟ اصلاً کارد بخوره به اون شکم، شما مگه جقدر گوشت می خورین؟